

سنجش و ارزیابی شاخص‌های موثر بر کارکرد مسکن روستایی پایدار با تاکید بر نقش فرهنگ و اجتماع

جمال‌الدین مهدی‌نژاد* - دانشیار دانشکده مهندسی معماری و شهرسازی، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی، تهران، ایران.

علی شرقی - استادیار دانشکده مهندسی معماری و شهرسازی، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی، تهران، ایران.

فائزه اسدپور - دانشجوی دکتری معماری دانشکده مهندسی معماری و شهرسازی دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی، تهران، ایران.

چکیده

مسکن در برآوردن هر یک از نیازهای اساسی انسان نقش ویژه‌ای دارد و مسکن روستایی به عنوان یک نظام به هم پیوسته، متشکل از اجزا و عناصری مرتبط با یکدیگر است که از کنش متقابل نیروها و عوامل مختلفی نظیر عوامل فرهنگی و اجتماعی شکل گرفته که از این حیث دارای ساختار و کارکردهای معینی می‌باشد. امروزه از مسکن سنتی که بتواند، پاسخگوی نیازهای اعتقادی و اجتماعی ساکنان خود، در روستا باشد، خبری نیست و مسکن‌هایی جایگزین آن گشته که به واسطه کمیبود شدید غنای فضایی متأثر از تحولات اجتماعی و فرهنگی کیفیت فضایی لازم را مثل سابق نداشته است، بنابراین این سوال مطرح می‌شود که عوامل فرهنگی و اجتماعی چگونه بر کارکرد مسکن روستا از لحاظ میزان پایداری تاثیرگذار است؟ و شاخص‌های متأثر از عوامل فرهنگی و اجتماعی در مسکن پایدار روستایی کدامند؟ پس انجام این پژوهش به منظور جلوگیری از روند الگوپذیری از تجارب نامطلوب و پرهیز از تکرار تجربیات ناموفق در ساخت و سازهای آینده در جهت حفظ اصول و ارزش‌های یک مسکن ایرانی ضرورت داشته است. لذا این پژوهش بنا به ماهیت، موضوع و اهدافی که برای آن پیش‌بینی شده، از نوع توصیفی-تحلیلی می‌باشد، جامعه آماری این تحقیق، جمعی از سرپرست خانوار مسکن روستاهای شهرستان نور بوده که از میان آنها ۱۷۵ نمونه، با روش تصادفی ساده مورد پرسشگری قرار گرفتند. پس از جمع‌آوری اطلاعات میدانی از طریق ابزار پرسشنامه، شاخص‌های متأثر از عوامل فرهنگی و اجتماعی در میزان پایداری مسکن روستایی، با استفاده از نرم‌افزار تحلیل آمارها مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند که نتایج حاصل از تحقیق نشان داده است؛ مسکن‌های ساخته‌شده طی ۸ ساله گذشته در روستاهای شهرستان نور به میزان ۲۱٪ در شرایط پایدار، به میزان ۳۶٪ در شرایط تا حدی پایدار و به میزان ۴۳٪ در شرایط ناپایدار قرار دارند.

کلمات کلیدی: عوامل فرهنگی، عوامل اجتماعی، مسکن روستایی، مسکن پایدار، شهرستان نور.

Evaluation of the Indicators Affecting the Function of Sustainable Rural Housing with an Emphasis on the Role of Culture and Society

Abstract

Housing plays a special role in meeting each of the basic human needs. As an integrated system, rural housing consists of interconnected elements that is formed by interacting with different forces and factors, including cultural and social factors, and have certain structure and functions. Today, there is no traditional housing in the villages that can meet religious and social needs of its inhabitants; however, there are alternative habitats that do not have the necessary spatial quality as before due to the severe shortage of spatial richness influenced by social and cultural changes. Therefore, the question is how did cultural and social factors affect the functioning of rural housing in terms of sustainability? And what are the factors influenced by cultural and social factors in sustainable rural housing? Thus, doing this study is necessary to prevent the process of modeling from undesirable experiences and avoid repetition of unsuccessful experiences in the future constructions in order to maintain the principles and values of an Iranian housing. Therefore, this is a descriptive-analytical study in terms of its nature, topic and objectives. The statistical population of the study is a group of the heads of the household in the villages of Noor city, among which 175 participants were questioned by simple random sampling method. Instrument of the study was a questionnaire. After collecting field information, the indices influenced by cultural and social factors in the level of rural housing sustainability were analyzed by statistical analysis software. The results indicated that the houses built in villages of Noor city over the past 8 years were stable in 21%, relatively stable in 36% and unstable in 43%.

Keywords: Cultural factors; Social factors; Rural housing; Sustainable housing; Noor city.

* نویسنده مسئول مکاتبات، شماره تماس: ۰۹۱۲۱۵۸۰۳۴۳؛ رایانامه: mahdinejad@sru.ac.ir

مقدمه

یکی از نیازهای انسان، نیاز به مسکن است که به عنوان یکی از اصلی‌ترین بناهایی است که توسط مردم هر جامعه ساخته می‌شود. مسکن در هر جامعه‌ای متأثر از عوامل فرهنگی و اجتماعی شکل می‌گیرد و ساختار آن نیز از این عوامل تبعیت می‌کند. به گفته راپاپورت بناهای متعلق به سنت مردمی، ترجمان مستقیم و ناخودآگاه نیازها و ارزش‌ها و همچنین تمایلات و غرایز یک قوم، به زبان فرهنگ مادی آن ملت است (راپاپورت، ۱۳۸۸: ۱۳). مسکن در عین حال عامل اصلی جامعه‌پذیری افراد نسبت به جهان و کالایی عمده و تعیین‌کننده در سازمان اجتماعی فضا است که در شکل‌گیری هویت فردی، روابط اجتماعی و اهداف جمعی افراد نقش بسیار تعیین‌کننده‌ای دارد (Short, 2006: 199). مسکن پایدار نیز مسکنی است که نیازهای نسل کنونی را بر مبنای کارایی منابع طبیعی (انرژی) برآورده سازد و در عین حال فضای زیست جاذب و ایمن را ضمن توجه به اکولوژی، فرهنگی و اقتصادی ایجاد نماید (سالاروند، ۱۳۹۰: ۵۳)، رودا، اعتقاد دارد که در طراحی مسکن پایدار بایستی هم به تعادل میان مسکن و محیط ساخته شده و همچنین به ویژگی‌های جامعه محلی توجه شود (Ruda, 1998: 93). بنابراین، محل سکونت هر فرد، به‌عنوان مهمترین فضای زندگی او بوده به گونه‌ای که زندگی فردی و شخصی او و اعضای خانواده را در بر گرفته و با حفظ حریم خصوصی انسان بسیار حائز اهمیت بوده چراکه انسان موجودی اجتماعی بوده و تعاملات اجتماعی او با اطرافیانش زندگی‌اش را در بر گرفته (هروی‌پوده و رزاقی، ۱۳۹۳: ۲) بنابراین از آنجایی که تاثیرات متقابل انسان‌ها اساساً از خصلتی فرهنگی، برخوردار بوده و در تکامل اجتماعی وی نقش مهمی داشته، از این حیث، خانه نیز، به عنوان کانون تبلور این ارزش‌ها و به عنوان یک شاهد فرهنگی و اجتماعی در جریان‌ات زندگی انسان همیشه حضور داشته

است و نقش مهمی را ایفا می‌کند.

با تفاسیر گفته شده، هر گونه تغییر در شرایط طبیعی و انسانی، به طریق‌های مختلف، در مسکن تجلی می‌یابد، این امر سبب شده تا علاوه بر تغییر شکل ظاهری مسکن، عملکرد فضاها نیز دگرگون شود، به گونه‌ای که گاه، بعضی از فضاها کارکرد جدیدی به خود گرفته و برخی دیگر، کارکرد خود را از دست داده و متروک شدند (سعیدی و امینی، ۱۳۸۹: ۳۴). بنابراین، مسکن و به‌خصوص مسکن پایدار از عوامل مهم، در توسعه پایدار روستایی محسوب می‌شود و «به عنوان یکی از مهمترین نیازهای اساسی روستائیان، از ابتدای تاریخ سکونت تا حال حاضر، نقش مهمی را در شرایط زیستی آنها نموده و هر روزه بر اهمیت آن افزوده می‌یابد» (ربیعی فر، ۱۳۹۶) لذا، با توجه به تحولاتی که طی سال‌های اخیر در جوامع روستایی به وجود آمده، پرداختن به مقوله‌ی پایدار در توسعه روستایی به طوری که در برگیرنده‌ی تمام ویژگی‌ها و نیازهای متخصص انسان باشد، اهمیت و ضرورت دارد. در خصوص نقش فرهنگ و مسائل اجتماعی در حوزه مسکن روستایی، کتاب‌ها، پایان‌نامه‌ها، مقالات و تحقیقات مختلفی، منتشر شده اما از آنجایی که، این پژوهش به طور خاص به شناسایی و ارزیابی عوامل تاثیرگذار بر چگونگی کارکرد تعدادی از مسکن‌های نوسازی که طی ۸ سال گذشته در روستاهای شهرستان نور از توابع استان مازندران ساخته شده و مقایسه آن با مسکن پایدار استان، پرداخته است، در نوع خود بدیع می‌باشد. لذا در این پژوهش که از نوع توصیفی-تحلیلی است، با مطالعات کتابخانه‌ای و بررسی‌های میدانی صورت گرفته، شناسایی و ارزیابی عوامل موثر بر کارکرد مسکن روستایی پایدار، با تاکید بر نقش فرهنگ و اجتماع در حوزه مسکن مازندران، با توجه به: موضوع، سوال و اهداف پژوهش طرح شده زیر است.

اهداف: ۱- بررسی و شناسایی شاخص‌های متأثر از عوامل فرهنگی و اجتماعی موجود در جوامع

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۵۴ بهار ۹۸
No.54 Spring 2019

۲۸۴

روستایی و میزان تاثیرگذاری آن در پایداری مسکن روستایی معاصر.

۲- بررسی و ریشه‌یابی تغییرات الگوی مسکن روستایی، به‌منظور جلوگیری از روند الگوپذیری از تجارب نامطلوب و پرهیز از تکرار تجربیات ناموفق در ساخت و سازهای آینده و توسعه و آبادانی روستاها و همچنین حفظ اصول و ارزش‌های یک مسکن ایرانی جهت فراهم نمودن مسکن مناسبی که درخور روستاییان باشد.

سوالات اصلی: ۱- عوامل فرهنگی و اجتماعی چگونه بر کارکرد مسکن روستا از لحاظ میزان پایداری تاثیرگذار است؟

۲- شاخص‌های متاثر از عوامل فرهنگی و اجتماعی در مسکن پایدار روستایی کدامند؟

۳- میزان پایداری در مسکن‌های روستاهای شهر نور چگونه می‌باشد؟

انسان موجودی است چند بعدی، که یکی از وجوه او اجتماعی بودنش می‌باشد. حضور او در اجتماعات مختلف و رفع نیازهای مشترک از طریق زندگی جمعی و خصلت اجتماعی او موجب تکامل انسان بوده و تفکر در راه بهسازی زندگی اجتماعی و هدفمند او، باعث پویایی زندگی جمعی او شده است یکی از نهادی که زندگی انسان را در بر می‌گیرد خانه بوده که به‌عنوان فضای زیست، از قدمتی طولانی برخوردار است که هماهنگ با رفع نیازهای زیست‌شناختی و روان‌شناسی انسان است و به‌عنوان یک نهاد، نه فقط یک ساختار بلکه یک مجموعه پیچیده از اهداف ساخته شده‌ای است که تجسم یافته اعتقادات و باورهای انسان در فضای زیست اوست، به دلیل اینکه یک خانه یک پدیده اجتماعی است، فرم و سازمان آن از محیط فرهنگی که به آن تعلق دارد تاثیر می‌پذیرد (رحیمی، ۱۳۹۲: ۱؛ خجسته قمری، ۱۳۹۰: ۳).

فرهنگ یکی از عوامل مهم در چگونگی شکل‌گیری فضاهای معماری به شمار می‌آید. هر جامعه دارای فرهنگ خاص خود است که شالوده معماری آن

جامعه را پایه‌گذاری می‌کند و معماری آن جامعه تصویر عینی آن فرهنگ می‌باشد. در واقع معماری، وسیله واقعی سنجش فرهنگ یک ملت بوده و هست (زراعت‌پیشه و حسینی، ۱۳۹۲: ۳) و هر جامعه‌ای، متناسب با فرهنگ خودش تمایل دارد تا در فضاهای مختلف، زیست و فعالیت کند و آداب و رسوم و فعالیت‌های خاصی را بر پا دارد. بنابراین یک خانه نیازهای فرهنگی و اجتماعی را در بر می‌گیرد و بواسطه زندگی اجتماعی و نمود فضایی خاص خود می‌تواند گروه‌های مختلف را در شرایط اجتماعی و منافع مشترک، گرد هم جمع کرده و خود به صورت ماوای دومی برای افراد ساکن آن، جوابگوی نیازهایشان باشد و زمینه‌ساز بسیاری از تعاملات فرهنگی و اجتماعی باشد.

معماری روستاهای ایران با توجه به قدمت چند هزار ساله آن مجموعه‌ای همگن و متناسب را تشکیل می‌دهد که در آن، ارتباطات و کارکردها و نقش چند عملکردی فضاها در مسکن، همواره به نحوی بوده که به وضوح، نظام اجتماعی، اقتصادی، و فرهنگی روستا را به همراه مقتضیات جغرافیایی در بر گرفته است (حسینی و همکاران، ۱۳۹۰: ۵) و علیرغم رشد شتابان شهرنشینی در جهان، الگوی زیست روستایی همچنان به‌عنوان یک شیوه منحصر به فرد و تأثیرگذار در اسکان جمعیت و فعالیت‌های انسانی مطرح است (آمار، ۱۳۹۲). مسکن روستایی به لحاظ ماهیت کارکردی و پاسخگویی به نیازهای انسانی، فعالیت‌های مردمی، عناصر تولیدی و محیط زیست، مجموعه‌ای همگن با هویت کالبدی خاص را تشکیل می‌دهد که تجلی‌کننده ارتباطات، کارکردها و نقش چند عملکردی فضاهاست، این هویت، از شیوه زیست در روستا نشأت می‌گیرد (گل محمدی، ۱۳۹۰: ۸۳).

این در حالی است که، جوامع روستایی که مجموعه روابط انسانی است که در روستاها شکل می‌گیرد و مفاهیمی چون روابط متقابل فردی، هم‌مکان بودن، اجتماع طبیعی، گروه‌هایی با هدف مشخص،

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۵۴ بهار ۹۸
No.54 Spring 2019

۲۸۵

نهادهایی که هسته ارتباط مداوم و پایدار در آنها متبلور می‌شود (ملکی و سجادیان، ۱۳۹۵: ۱۴۷)، به‌عنوان بخشی از نظام سلسله مراتب سکونتگاهی کشور در طی دهه‌های اخیر با پیچیده‌شدن هر چه بیشتر روابط و مناسبات شهر و روستا (به نوعی وابستگی روز به روز روستاییان به شهر) و به دنبال آن تأثیرپذیری از محیط‌های شهری و رواج الگوهای فرهنگی شهرنشینی با تقلید از آداب و رسوم زندگی و شیوه‌های سکونتی آنان (برای به‌دست آوردن زیستی دلخواه و شایسته)، ورود و گسترش تکنولوژی و وسایل ارتباطی، نیازمندی‌های نوین برای روستاییان، پدیده‌ها و مسایل جهانی، ورود فناوری‌های نوین ساختمانی، تغییر در ساختار سنتی خانواده و تجزیه خانوارهای گسترده به خانواده‌های هسته‌ای کوچک، دچار دگرگونی شدند، لذا به دنبال این تحولات؛ مسکن روستایی نیز به‌عنوان جزئی اصلی از عناصر شکل‌دهنده هر روستا، از این تغییرات مصون نمانده، به صورتی که، در بحث عرصه بندی، مفاهیمی چون حریم و سلسله مراتب خصوصی و عمومی در سازماندهی خانه معاصر به‌درستی رعایت نشده و تغییراتی در سازمان فضایی خانه ایجاد شده که موجب محدود شدن دامنه عملکردی فضا شده و در طراحی خانه، به جای محوریت انسان و نیازهای او، اشیاء و لوازم هستند که در شکل‌گیری فضایی خانه حاکمیت پیدا کردند و حدود خانه، فرم فضاها و حتی چگونگی حرکات انسانی را رقم می‌زنند، کم شدن تعاملات و روابط خانوادگی و همسایگی و گسترش فردگرایی و بروز ناهنجارهای اجتماعی و بسیاری عوامل دیگر که موجب دگرگونی در کارکرد اساسی مسکن امروز در روستا شده است، بنابراین، شناخت و تبیین ابعاد این دگرگونی‌ها؛ در راستای برنامه‌ریزی برای مسکن پایدار و ارائه الگویی مناسب جهت توسعه و آبادانی روستاها و نیز فراهم نمودن مسکن مناسب و درخور روستاییان، مهم می‌باشد. چرا که «معاصر سازی آگاهانه خانه روستایی و انطباق آن با نیازهای امروزی جامعه به‌نحوی که

هم پاسخگوی نیاز امروزی و هم در تداوم ارزش‌های معماری کهن باشد مستلزم اطلاع و آگاهی از اصول شکل‌گیری معماری بومی و ارزش‌های محلی آن است» (سرتیپی‌پور، ۱۳۹۲).

در این پژوهش، تعدادی از مطالعات انجام شده در زمینه عوامل فرهنگی و اجتماعی تأثیرگذار در حوزه روستا و مسکن آن که مرتبط با محورهای این پژوهش می‌باشد، دسته‌بندی گردیده و سعی شده مطابق جدول ۱، خلاصه‌ای از آن به صورت روش و یافته‌های تحقیق بیان شود، لذا ضمن بررسی یافته‌های جدول ۱ و سایر مقالات، پژوهش‌ها، کتاب‌ها و تحقیقات منتشر شده قابل مقایسه با این پژوهش، گواه این است؛ در خصوص شاخص‌های متأثر از عوامل فرهنگی و اجتماعی در مسکن روستایی که در این پژوهش پیرامون آن بحث می‌گردد، تاکنون پژوهش و تحقیقی صورت نگرفته و از این حیث انجام این پژوهش در نوع خود بدیع بوده است.

داده‌ها و روش کار

شناخت تعاریف مفاهیم در راستای شناسایی راهبردهای مناسب در هر پژوهشی، به دقت و انسجام و گستردگی این نوع شناسایی کمک می‌نماید. در همین راستا، کنکاش در دیدگاه‌ها و نظریات صاحب نظران در دوره‌های زمانی متفاوت در حوزه‌های مربوط به این پژوهش، محقق را به راهبردهای مطلوب، جهت ساخت وضعیت مطلوب، در محدوده مورد مطالعه رهنمون می‌سازد. از اینرو در جدول ۲ مختصری از تعاریف کاربردی گزارش شده است.

سکونتگاه‌های روستایی پدیده‌ای به ظاهر ابتدایی ولی در واقع پیچیده به نظر می‌رسند (زرگر، ۱۳۸۴: ۱۶۱) آنها طبق فرهنگ و رسوم محلی شکل گرفته‌اند اما شکل و سازماندهی این خانه‌ها اتفاقی و بر حسب تصادف نبوده بلکه در کنار پاسخگویی به نیازها و احتیاجات انسانی تصور فضایی روستاییان نقش بسیار تعیین کننده‌ای در شکل‌گیری آنها

محقق و سال انتشار	عنوان پژوهش	توضیحات
Mohammad Abdullah Eben Saleha, 1998	tegration of Tradition and modernity, Habitation internataional,	در این پژوهش اشاره شده است که الگوهای معماری و سبک خانه سازی در عربستان سعودی از حالت سنتی به مدرن تغییر یافته و از معماری مدرن شهری در سبک خانه سازی روستایی استفاده شده است. بنابراین بواسطه تغییرات اجتماعی و فرهنگی که به وجود آمده الگوهای سنتی معماری کمرنگ تر شده است.
M. Hasan et al, 2000	rural housing in bungladesh: an inqulry in to housing typology Construction technology and in digenous practiees.	محقق اشاره می کند که در بنگلادش خانه نماد جایگاه و مقام و وضعیت ساکنین روستایی است. از اینرو طرح خانه ها براساس وضعیت اقتصادی - اجتماعی ساکنان آن متفاوت است و ساختار و طرح مسکن، بازتابی از وضعیت و شان افراد ساکن در آن است. خانه های روستایی در بنگلادش عمدتاً بر مبنای وضعیت اجتماعی و اقتصادی صاحبان آنها از یک یا چند اتاق تشکیل شدند، شکل و اندازه اتاق ها متفاوت است که البته شکل مستطیل برای اتاق ها رایج تر است.
Carol R Ember and Melvin R. Ember, 2006	Cultural Anthropology	امبر، معتقد است که هر جامعه ای مرکب از عناصر مادی و غیر مادی است. زمانی که تغییر عمده ای در یک جامعه به وجود می آید، عناصر غیر مادی کندتر از سایر جنبه های فرهنگی دگرگون می شوند. البته در مقابل سرعت تغییرات فنی و عقب افتادگی تغییر ارزش ها، موجب فشارها و بحران هایی خواهد شد، اما در عین حال این محافظه کاری ارزش ها، شبیه ترمزی است که جریان بی حساب و بی بند و بار دگرگونی ها را کند می کند و جامعه فرصت می یابد تا بدون بهم ریختگی ساختار اصلی خود، فنون و روش های تازه ای را جذب کند.
Lsil Hacıhasanoglu & Orhan Hacıhasanoglu, 2006	cultural processes and physical change in sisl -Istanbul	در این پژوهش اثرات فرآیندهای فرهنگی بر سیستم خانه سازی و تغییرات فیزیکی محیط و فضا بیان شده است و نویسندگان معتقدند که، مسکن کالای پیچیده تر از آنچه است که اکثر اقتصاددانان می دانند. ایمنی و آسایش هنوز ملزومات اولیه برای مسکن است به طوری که مسکن یک مزیت اجتماعی ترکیبی است.
حمیدرضا زراعی پور دژکوه، ۱۳۷۵	بررسی مردم شناختی سکونتگاه های سنتی دهدشت و سیر تحول آن	در این پژوهش به پارامترهایی چون عوامل زیست محیطی و عوامل اجتماعی و فرهنگی موثر بر بافت مسکن توجه شده و در مورد آن بحث شده است و به این نکته اشاره شد که: فرهنگ و مسکن دو عنصر از حیات بشر هستند که بر یکدیگر تاثیر متقابل دارند که از طریق انتخاب اجزاء فرهنگ می توان، به ارتباط آن پی برد.
مژگان خاکپور و حسام عشقی صنعتی، ۱۳۹۲	بررسی اثرگذاری عوامل اجتماعی و فرهنگی بر بافت کالبدی روستاهای گیلان	یافته های پژوهش نشان می دهد که تعاملات اجتماعی مردم روستا، از یک سو متأثر از شرایط طبیعی است و از سوی دیگر، بر خصوصیات اقتصادی و کنش های معیشتی استوار بوده که خود، یکی از عوامل هماهنگی کنش های اجتماعی بوده و موجب انسجام روابط اجتماعی و فرهنگی ساکنان روستا می شود.
یعقوب زارعی، ۱۳۹۵	سنجش توسعه در مناطق روستایی با تاکید بر برخی شاخص های اجتماعی - فرهنگی مورد مطالعه: شهرستان های استان خراسان رضوی	در این پژوهش ارزیابی کلی نتایج حاصله از میزان توسعه روستایی در شهرستان های استان خراسان رضوی، مبین این مطلب است که مناطق روستایی این شهرستان ها، به لحاظ میزان توسعه یافتگی از محرومیت رنج می برند و دلیل این محرومیت را باید در سیاست ها، راهبردها و خط مشی های نادرست اتخاذ شده در مناطق روستایی جستجو نمود که به مرور زمان، زمینه عدم تعادل بین مناطق را فراهم آورده است.

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۵۴ بهار ۹۸
No.54 Spring 2019

۲۸۷

داشته است (سرتیپی پور، ۱۸۳۹: ۳). یکی از مهم ترین ویژگی های معماری روستایی توجه به طراحی منطبق با نیازهای فطری مردم و محیط و فعالیت های روزمره آنان مانند نوع فضاهای معیشت مردم است. مصداق های معماری از همنشینی فضاهای زیستی و معیشتی در این نوع مسکن، عمق توجه نسبت به زندگی مردم و نیازهای آنهاست که فضای کالبدی را با داستان زندگی مردم هماهنگ و آن را ایجا نموده است (همان: ۸) روستا و شهر هر یک نماینده نوعی نظام مسکن گزینی و مسکن سازی انسان و در عین حال نظام های اقتصادی و اجتماعی متفاوت اند (فاضلی، ۱۳۸۶: ۳۲)، در این میان معماری روستایی گستره بی بدیلی از چاره اندیشی های خلاقانه برای به کارگیری امکانات محیط طبیعی و برآورده کردن نیازهای مادی و معنوی روستاییان است. پاسخ های هوشمندانه و زیرکانه ای که همراه خود بار معنوی و فرهنگی برای بقای سطح زندگی روستاییان را به ارمان می آورد (حسینی و ضیایی، ۱۳۸۸: ۹۳). از نظر تقوایی و همکاران (۱۳۸۸: ۱۰۷) عوامل اجتماعی فرهنگی که سکونتگاه های روستایی را شکل می دهند، در چهار گروه کلی ساختار و اندازه خانواده، امنیت، عرصه ها و مذهب قابل توصیف هستند. لطفی و همکاران (۱۳۸۸: ۱۱۶) ویژگی های کلی مسکن

جدول ۲- تعاریف مفاهیم پژوهش؛ منبع: نگارندگان

مفهوم	تعاریف	منبع
روستا	روستا، «معادل» «روستاک» در زبان پهلوی و معرب آن رستاق، روستاق، رسداق و یا رزداق است و هم معنا «ده» و «قریه» دانسته شده ؛ و «ده»، آبادی کوچک در خارج شهر» می‌باشد.	معین، ۱۳۷۵
	ده، بنا به تعریف از واژه «دهیو» به معنای سرزمین و کشور گرفته شده است روستا شامل ده یا قریه‌ای است، همراه با مزارع و باغات و پوشش طبیعی اطراف آن.	رضوانی، ۱۳۸۲
	معجم البلدان به نقل از حمزه بن حسن آرد می‌گوید: روستا جایی است که دارای مزارع و قراه باشد.	دهخدا، ۱۳۳۷
	در فرهنگ صبا «ده»، «روستا» و «قریه» هم ارز یکدیگر بوده و برابر با «آبادی کوچک در خارج شهر که دارای چندین خانه روستایی باشد»، تعریف شده است.	بهشتی، ۱۳۷۱
	روستا عبارت است از سکونتگاهی که تولید غالب آن کشاورزی و دامپروری بوده و جمعیت آن حداکثر ۵۰۰۰ نفر باشد.	مرکز آمار ایران، ۱۳۷۵
مسکن	مسکن یا واحد مسکونی، مکان، فضا و یا محوطه‌ای است که یک یا چند خانوار در آن سکونت داشته و به یک یا چند ورودی (شارع عام یا شارع خاص) راه داشته باشد.	مرکز آمار ایران، ۱۳۷۵
	واژه «مسکن» از ماده‌ی سکن به معنی آرام گرفتن پس از حرکت، سکونت، آرامش باطن و انس گرفته شده است. مسکن، اسم مفعول کلمه ساکن است؛ یعنی جایی که محل آرامش و اسکان باشد.	حکمت‌نیا و انصاری، ۱۳۹۰
	تجسم فضایی آرمان‌ها، ایده‌ها و عملکردهای انسانی است که همواره تحت تاثیر عوامل بازدارنده اقتصادی اجتماعی و موانع فیزیکی قرار دارد.	آمار و ناتیج، ۱۳۹۰
	فضایی که بتواند زمینه لازم برای رشد فردی و جمعی هر یک از افراد خانوار را فراهم کند، به نحوی که آنها بتوانند بر حسب نیازهای روحی و روانی خود و نوع فعالیت مورد نظر، حریم لازم را بیابند.	بهرامی، ۱۳۹۰
	مسکن، خردترین و کوچکترین شکل تجسم کالبدی رابطه متقابل انسان و محیط بوده و تبلور فضایی کارکرد حیاتی سکونت انسان در ایفای نقش‌های اساسی وی می‌باشد.	حاتمی‌نژاد و همکاران، ۱۳۷۵
مسکن روستایی	مسکن یا خانه روستایی محل زندگی افراد و خانوارهای روستایی به صورت تک خانواری یا چند خانواری در زیر سقفی مشترک و بهره‌گیری از امکانات و فضاهای موجود به صورت اختصاصی و جمعی است.	سعیدی و امینی، ۱۳۸۹
	نمادی از چگونگی تعامل و ارتباط انسان با محیط طبیعی پیرامون خویش؛ در طی سالیان متمادی بر حسب شرایط زمانی مکان (به ویژه تاریخ، فرهنگ و مبانی - اقتصادی ایدئولوژیکی سازندگان آن) در هر منطقه شکل گرفته و به نوعی نشان دهنده نوع فعالیت‌ها - در ابعاد اقتصادی و نگرش اجتماعی فرهنگی روستاییان و چگونگی تحول و استفاده از تکنولوژی و نهایتاً سطح درآمد و معیشت ساکنان آن می‌باشد.	شمس‌الدینی، ۱۳۸۷
	آن نوع مسکنی که نیازهای زیستی نسل کنونی را بر مبنای کارایی منابع طبیعی انرژی برآورده ساخته و در عین حال محلاتی جذاب و ایمن را ضمن توجه به مسائل اکولوژیکی، فرهنگی و اقتصادی ایجاد نماید، مسکن پایدار است.	راضی، ۱۳۸۸
	مسکنی است که علاوه بر در گرفتن امکانات و خدمات عمومی لازم برای زندگی بهتر انسان، متناسب با فرهنگ، شیوه‌ها و سنت‌های ساکنان آن باشد و باعث ثبات خانواده، رشد اجتماعی بالا بردن ضریب ایمنی افراد و خصوصاً ارتقای فرهنگی و آرامش روحی اعضای خانواده شود.	بسحاق و همکاران، ۱۳۹۱
	مسکن پایدار عبارت است از مسکنی که از لحاظ اقتصادی متناسب، از لحاظ اجتماعی قابل قبول، از نظر فنی و کالبدی امکان پذیر و مستحکم و سازگار با محیط‌زیست باشد.	Charles, 2007
فرهنگ	به معنای دانش، ادب، علم، آموزش و پرورش، هنر و معرفت، تعلیم و تربیت، آثار علمی و ادبی یک قوم و ملت و نیز به معنای کتاب است.	عمید، ۱۳۶۸
	فرهنگ، عامل استحکام، پایداری و تداوم یک اجتماع است. فرهنگ همزمان شامل ترم‌افزار مورد نیاز برای عملکرد یک سیستم اجتماعی است.	مورن، ۱۳۸۴
	فرهنگ کلیتی ناشی از ویژگی‌های معنوی، مادی، فکری و احساسی است که یک گروه اجتماعی را مشخص می‌کند.	یونسکو به نقل از لطیفی، ۱۳۸۳
	مجموع‌های متشکل از شناخت، باورها، هنر، اخلاق، حقوق، آداب و دیگر عادت‌ها و ملکات اکتسابی انسان، به عنوان عضوی از یک جامعه.	صاحبی، ۱۳۵۵
	مجموعه رفتارهای روش‌های زندگی مشترک گروهی از مردم که همانندی در رفتار، ایدئولوژی، اقتصاد، مذهب و تکنولوژی دارند.	شکویی، ۱۳۷۴
اجتماعی	واژه "Community" به معنای اجتماع از ریشه لاتین "Communis" (مشارکت عامه) گرفته شده است. در زبان فارسی اصطلاح اجتماع از زبان عربی اخذ شده و به معانی جماعت، انبوهی، اشتراک، وفاق عمومی و شباهت زیستی گروهی از جانوران یا گیاهان یک منطقه جغرافیایی با شرایط مساوی به کار رفته است.	آراسته‌خو، ۱۳۷۰
	از منظر جامعه‌شناسی، اجتماع به گروهی از افراد اطلاق می‌شود که دارای پیوندهای قوی و مداومی‌اند و نیز گاهی اوقات مکان جغرافیایی مشترکی دارند. همچنین اعضای آن در فعالیت‌های اجتماعی مشارکت منظمی دارند. افراد این گروه هویت‌یابی قوی با گروه دارند.	شارع‌پور، ۱۳۸۹

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۵۴ بهار ۹۸
No.54 Spring 2019

۲۸۸

روستایی را به صورت زیر بیان می‌کنند:

- سازگاری با معیشت روستایی و فرهنگ مردم.

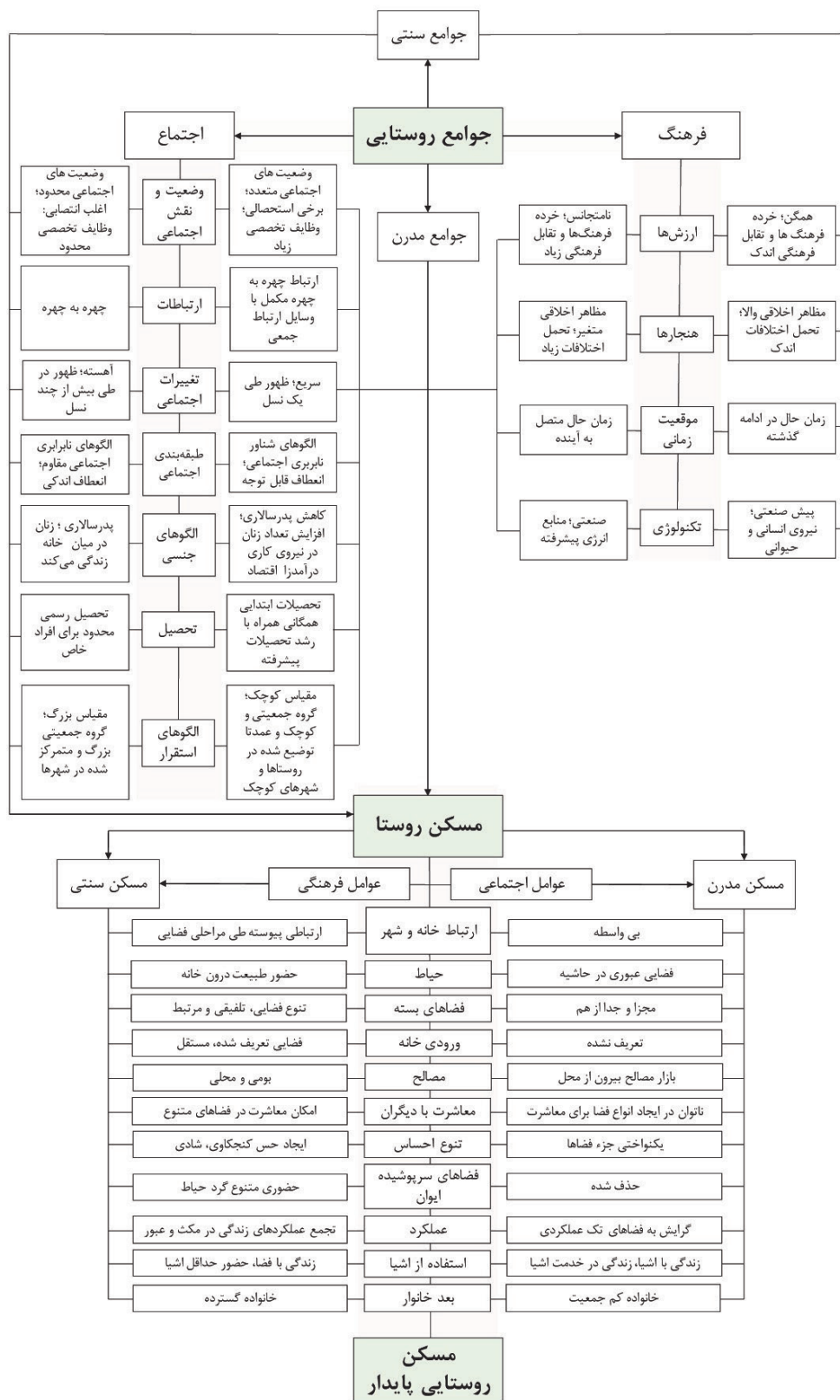
- طراحی و ساخت فضاهایی که هر یک کاربرد ویژه‌ای دارند.

- بومی و محلی بودن مصالح و تامین آن از محل.

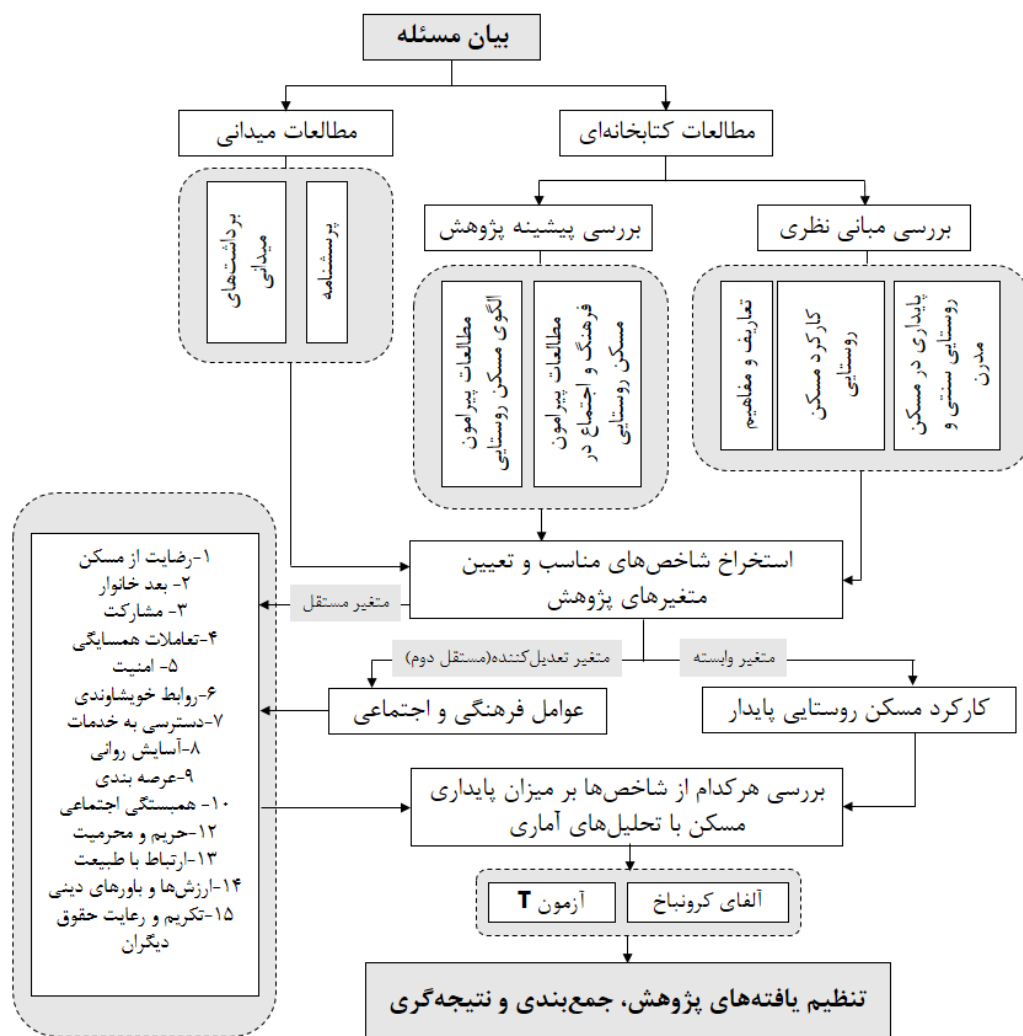
غفاری و میری (۱۳۹۶) معتقدند معماری مسکن

روستایی پاسخی است به نیازها و ضرورت‌های

مردم روستایی هر منطقه، بر همین اساس نباید



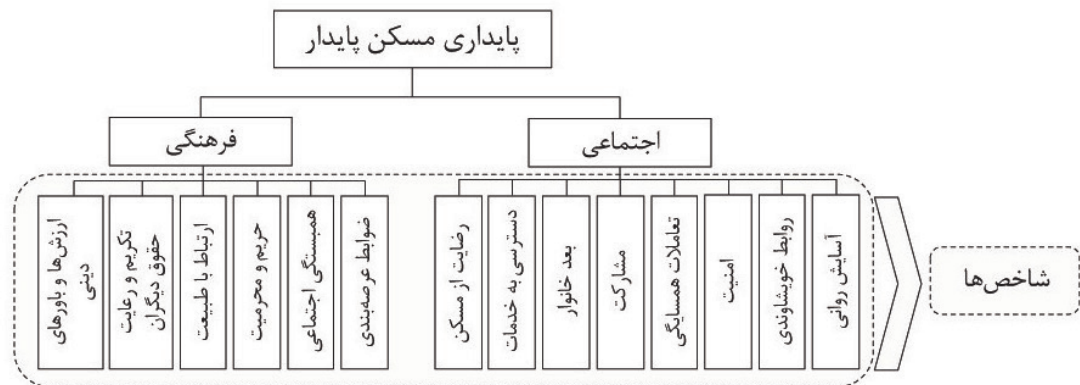
شکل ۱- مقایسه جوامع مدرن و سنتی روستا و روند شکل‌گیری مسکن آن‌ها متأثر از عوامل فرهنگی و اجتماعی (منبع: نگارندگان)



شکل ۲- فرآیند پژوهش (منبع: نگارندگان)

عناصر تولیدی و محیط‌زیست، مجموعه‌ای همگن و متشکل با هویت کالبدی خاص را تشکیل می‌دهد که تجلی‌کننده ارتباط و کارکردها و نقش چند عملکردی فضاهاست. این هویت از نفس سکونت و شیوه‌ی زیست در روستا نشأت می‌گیرد، با این حال، معماری واحدهای مسکونی جدید با الگوهای بومی تفاوت بسیار دارد و بیش از آنکه روستایی باشد، مشابه الگوهای جدید شهری است که شکل ۱، گویای تفاوت‌های جوامع مدرن و سنتی و مسکن هر کدام از آن‌ها که متاثر از عوامل فرهنگی و اجتماعی شکل گرفته، می‌باشد. لذا آنچه

تأثیر باورها و سنت‌های مردم را در ارتقای سطح کیفی مسکن نادیده گرفت و متذکر می‌شوند، در طراحی مسکن میبایست به مسائل فرهنگی توجه ویژه‌ای کرد زیرا، توجه نکردن به مسائل فرهنگی باعث تغییر ارزش‌ها و هنجارهای متأثر از آن خواهد شد و با تغییر اولویت‌ها کالبد مسکن روستایی نیز تغییر می‌کند و نظام فضایی مسکن و به تبع آن، هویت گذشته مسکن روستایی از بین خواهد رفت. سرتیپی‌پور (۱۳۸۴: ۴۴) اعتقاد دارد معماری روستایی ایران به لحاظ ماهیت کارکردی و پاسخگویی به نیازهای انسانی، فعالیت‌های مردمی،



شکل ۳- شاخص‌های متاثر از عوامل فرهنگی و اجتماعی در پایداری مسکن روستا (منبع: نگارندگان)

آماري شامل سرپرست خانوار تعدادی از مساكن روستاهای شهرستان نور از توابع استان مازندران که طی ۸ سال گذشته ساخته شدند، می‌باشد. حجم نمونه نمونه با استفاده از فرمول کوکران در سطح اطمینان ۹۵٪ و احتمال خطای ۵٪ برابر با ۱۷۵ سرپرست خانوار به دست آمد که به صورت نمونه‌گیری تصادفی ساده، انتخاب و تکمیل گردید. با توجه به اینکه روستاهای مورد مطالعه در محدوده شهرستان نور واقع شدند و از نظر وضعیت فرهنگی و اجتماعی شرایط نزدیک به هم دارند، همگن‌سازی داده‌ها ممکن شده است. پس از جمع‌آوری اطلاعات و پردازش آنها در محیط‌های نرم‌افزاری SPSS و EXCEL، به تحلیل داده‌ها و تبیین موضوع مورد مطالعه پرداخته شد. در شکل ۲ روند انجام پژوهش تشریح گردیده است.

داده‌ها و یافته‌های پژوهش

شاخص‌ها و مؤلفه‌های متاثر از عوامل فرهنگی و اجتماعی که موجب پایداری مسکن روستا می‌گردد مطابق شکل ۳، دسته‌بندی شدند. این شاخص‌ها از طریق بررسی و مرور گسترده‌ی پژوهش‌های نظری در حیطه‌ی موضوع مورد پژوهش، مصاحبه‌ی حضوری و نیمه ساختارمند و نیز مشاهدات میدانی، شناسایی و استخراج شدند. مجموع شاخص‌ها به وسیله‌ی گروهی از معرف‌ها (گویه‌ها) مطابق جدول ۳، ارزیابی شد. تمامی گویه‌ها بر مبنای مقیاس

مسلم است تاثیر ساختمان‌ها بر کارکردها و نقش کارکردهای مورد نیاز در ساخت خانه‌های روستایی است، چیزی که با حساسیت خاصی در تعامل با فراسیستم، با تغییر در ساخت‌ها و کارکردهای اجتماع ممکن است تغییرات زیادی داشته باشد، بنابراین در نبود برنامه‌ای منسجم و همه‌جانبه نگر، طبعاً روندهای نامطلوب جاری ادامه خواهند یافت و در عوض توسعه‌ای پایدار، روند نامطلوب دوری از فرایند، توسعه‌ای دلخواه تحقق خواهد پذیرفت. این پژوهش از نظر ماهیت از نوع پژوهش‌های کمی، از حیث هدف در زمره‌ی تحقیقات کاربردی و از لحاظ چگونگی جمع‌آوری اطلاعات از نوع توصیفی - تحلیلی و پیمایشی است که دارای دو زیر بخش عمده بوده است. بخش اول را مطالعه کتاب‌ها، مقالات، مجلات مختلف، پایان‌نامه‌های مرتبط با مسکن روستایی جهت بررسی مواردی چون ادبیات نظری موضوع و پیشینه تحقیق به خود اختصاص داده و بخش دوم را مطالعات میدانی و پیمایشی جهت جمع‌آوری اطلاعات و سپس تدوین و تکمیل پرسشنامه و مصاحبه، در بر گرفته است. روایی صوری و محتوایی پرسشنامه به تایید اساتید دانشگاهی متخصص در این زمینه، رسیده است که پایایی آن با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ بر آورده گردیده که با توجه به آستانه‌های در نظر گرفته شده در منابع علمی معتبر، از قابلیت اعتماد مطلوبی برخوردار است. جامعه

جدول ۳- ابعاد عملیاتی پایداری مسکن روستایی؛ منبع: نگارندگان

عامل	شاخص	معرف (گویه)	
عوامل اجتماعی	رضایت از مسکن	میزان رضایت از کیفیت مصالح کاربردی میزان رضایت از نمای بیرونی خانه میزان رضایت از معماری داخلی میزان رضایت از دید و چشم‌انداز از منزل به اطراف	
	ساختار خانوار	رضایت از ساختار خانواده به صورت گسترده رضایت از ساختار خانواده به صورت هسته‌ای	
	مشارکت	میزان برخورداری منزل از فضایی مناسب جهت برپایی مراسمات (اعیاد، جشن عروسی، مراسم عزاداری و...) میزان مشارکت جمعی مردم روستا در برگزاری مراسمات	
	تعاملات همسایگی	میزان برخورداری از فضایی مناسب جهت گفتگو با همسایگان در خانه میزان استفاده از فضای باز جهت گردهمایی همسایگان جهت تفریح و گذراندن اوقات فراغت	
	امنیت	میزان امنیت از لحاظ قرارگیری محل خانه و حملات حیوانات وحشی به خانه در روستا میزان امنیت از لحاظ عدم دزدی و زورگیری و مزاحمت	
	روابط خویشاوندی	میزان برخورداری از فضایی مناسب جهت معاشرت با خویشاوندان و همراهی آنها در جهت حل و فصل مشکلات میزان مقبولیت زندگی به صورت دسته جمعی در گرد یک حیاط یا یک خانه	
	آسایش روانی	میزان آسایش از لحاظ عدم وجود آلودگی صوتی	
	دسترسی به خدمات و امکانات	میزان دسترسی به مراکز خرید در روستا میزان دسترسی به حمل و نقل عمومی میزان دسترسی به مراکز بهداشتی میزان دسترسی به مراکز مذهبی و فرهنگی (مسجد، کتابخانه و...) میزان دسترسی به مراکز آموزشی میزان برخورداری واحد مسکونی از تاسیسات زیربنایی، رفاهی و بهداشتی	
	عوامل فرهنگی	عرصه‌بندی	میزان رعایت سلسله مراتب از فضاهای عمومی تا خصوصی در فضای خانه میزان استفاده از آسپزخانه این‌دار در خانه میزان قرارگیری مناسب فضای جنبی (حمام، دستشویی و توالت) در خانه میزان قرارگیری مناسب محل اتاق‌ها در خانه میزان قرارگیری مناسب محل پذیرایی و آشپزخانه در خانه میزان برخورداری از فضاهای خدماتی (پارکینگ، انباری، محل نگهداری طیور و دام) در خانه میزان برخورداری از فضای ورودی و پیش‌ورودی مناسب جهت ورود به خانه
		همبستگی اجتماعی	میزان تجانس با همسایگان میزان تجانس با مردم روستای خود
حریم و محرمیت		میزان رعایت دید و اشرافیت از منزل خود به واحد همسایه میزان رعایت دید و اشرافیت از واحد همسایه به خانه خود میزان رعایت حریم فضای باز در خانه خود میزان برخورداری از حریم فضایی مکث در مقابل ورودی خانه	
ارتباط با طبیعت		میزان برخورداری از فضای سبز در حیاط میزان حضور گل و گیاه و حوض در فضاهای باز و نیمه باز خانه میزان برخورداری از دید و منظر مناسب به طبیعت اطراف در منزل خود	
ارزش‌ها و باورهای دینی		میزان برخورداری از باورهای اعتقادی (جهت قبله) در خصوص جانمایی فضاهای خانه (سرویس بهداشتی)	
تکریم و رعایت حقوق دیگران		میزان توجه به قراردادن بهترین فضا در خانه به مهمان میزان رسیدگی و رعایت بهداشت در فضاهای مشترک عمومی با همسایه در جلوی خانه	

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۵۴ بهار ۹۸
No.54 Spring 2019

۲۹۲

جدول ۴- مقدار آلفای کرونباخ مشاهده شده؛ منبع: یافته‌های پژوهش

عنوان	تعداد گویه‌ها	مقدار آلفای کرونباخ
عوامل اجتماعی	۲۱	۰/۷۳۳
عوامل پایداری فرهنگی	۱۹	۰/۸۴۴

جدول ۵- سنجش شاخص‌های عوامل اجتماعی در پایداری مسکن؛ منبع: یافته‌های پژوهش

شاخص	حد متوسط پایداری (۳)			
	مقدار T	سطح معنی داری	اختلاف میانگین	
			حد پایین	حد بالا
رضایت از مسکن	-۶/۸۲	۰/۰۰۰	-۰/۶۲	-۰/۸۰
بعد خانوار	-۴/۲۱	۰/۰۰۰	-۰/۴۱	-۰/۲۱
مشارکت	-۸/۵۵	۰/۰۰۰	-۰/۶۲	-۰/۷۷
تعاملات همسایگی	-۱/۸۴	۰/۶۷۰	-۰/۱۰	-۰/۲۱
امنیت	۰/۲۴	۰/۸۰۴	۰/۲۰	-۰/۱۴
روابط خویشاوندی	۱۷/۳۴	۰/۰۰۰	۰/۷۶	۰/۶۷
دسترسی به خدمات	-۵۵/۲۸	۰/۰۰۰	-۱/۷۱	-۱/۷۷
آسایش روانی	۲۱/۰۵	۰/۰۰۰	۰/۹۳	۰/۸۴

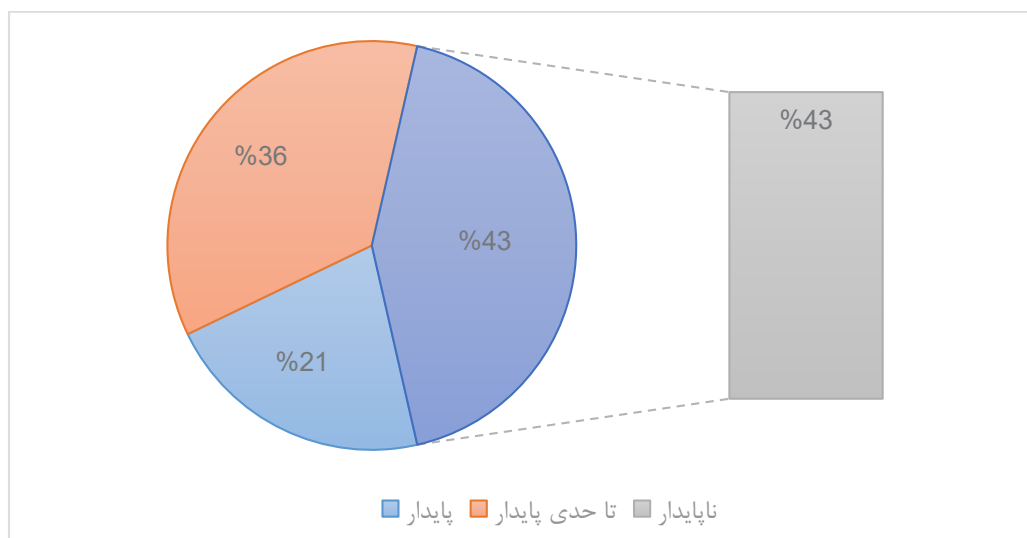
بنابراین، با استفاده از این آزمون، کلیه شاخص‌ها در سه سطح ناپایدار، تاحدی پایدار و پایدار تقسیم‌بندی می‌شوند. به این صورت که در ابتدا شاخص‌های بعد اجتماعی سنجش شدند، که با توجه به نتایج به دست آمده در جدول ۵ و ارزیابی شاخص‌ها در جدول ۷، شاخص‌های رضایت از مسکن، بعد خانوار، مشارکت و دسترسی به خدمات با توجه به سطح معنی داری محاسبه شده، در شرایط ناپایدار، شاخص‌های تعاملات همسایگی و امنیت در شرایط تاحدی پایدار و شاخص‌های روابط خویشاوندی و آسایش روانی در شرایط پایدار قرار گرفتند. همچنین، برای سنجش بعد فرهنگی مسکن نیز شاخص‌ها با حد متوسط خود سنجش شدند که با توجه به نتایج به دست آمده در جدول ۶ و ارزیابی شاخص‌ها در جدول ۷، شاخص‌های عرصه‌بندی و ارزش‌ها و باورهای دینی در شرایط ناپایدار، شاخص‌های همبستگی اجتماعی، حریم و محرمیت، تکریم و رعایت حقوق دیگران در شرایط تاحدی پایدار و همچنین شاخص ارتباط با طبیعت

نمره‌دهی پنج درجه‌ای طیف لیکرت (خیلی کم، کم، متوسط، زیاد، خیلی زیاد) تنظیم شدند و پایایی آنها بر مبنای آلفای کرونباخ مطابق جدول ۴ با اعتبار ۰/۷۳۳ برای بعد اجتماعی و ۰/۸۴۴ برای بعد فرهنگی تأیید گردید. در راستای بررسی وضعیت شاخص‌ها در ابعاد دوگانه از آزمون t تک نمونه‌ای استفاده شده است؛ به این صورت که عدد ۳ به عنوان حد متوسط پایداری در نظر گرفته شده است و داده‌ها در هر یک از شاخص‌ها با این عدد سنجیده شدند. در آزمون t تک نمونه‌ای فرض H_0 بیانگر برابری پایداری با عدد ۳ (حد متوسط پایداری) است و فرض H_1 گویای عدم برابری با حد متوسط پایداری است. در این صورت باید از مقادیر حد بالا و حد پایین، استفاده کرد که: هرگاه حد بالا و پایین مثبت باشد، میانگین از مقدار مشاهده شده بزرگتر است. هرگاه حد بالا و پایین منفی باشد، میانگین از مقدار مشاهده شده کوچکتر است.

جدول ۶- سنجش شاخص‌های عوامل فرهنگی در پایداری مسکن: منبع: یافته‌های پژوهش

حد متوسط پایداری (۳)					شاخص
فاصله اطمینان ۰/۹۵		اختلاف میانگین	سطح معنی‌داری	مقدار T	
حد بالا	حد پایین				
-۰/۷۷	-۰/۹۷	-۰/۸۷	۰/۰۰۰	-۱۷/۵۴	عرصه‌بندی
۰/۰۹	-۰/۱۱	-۰/۰۱	۰/۸۸۳	-۰/۱۴	همبستگی اجتماعی
۰/۲۷	-۰/۰۵	۰/۱۱	۰/۱۸۲	۱/۳۳	حریم و محرمیت
۰/۴۳	۰/۲۳	۰/۳۳	۰/۰۰۰	۶/۵۵	ارتباط با طبیعت
-۰/۴۰	-۰/۸۲	-۰/۶۱	۰/۰۰۰	-۵/۷۸	ارزش‌ها و باورهای دینی
۰/۳۰	-۰/۰۳	۰/۱۳	۰/۱۱۴	۱/۵۸	تکریم و رعایت حقوق دیگران

نمودار ۱- میزان پایداری در مسکن روستایی معاصر (منبع: نگارندگان)



و فرهنگی در جدول ۷ ارائه شده که بر طبق آن، می‌توان علت ناپایداری برخی شاخص‌های اجتماعی از جمله: دسترسی به خدمات، بعد خانوار، رضایت از مسکن و مشارکت و همچنین ناپایداری شاخص‌های فرهنگی شامل: عرصه‌بندی و ارزش‌ها و باورهای دینی در مسکن روستایی را به شرح زیر تفسیر کرد. با توجه به اینکه اکثریت روستاها نزدیک به شهر بوده، دسترسی به خدماتی از جمله مراکز فرهنگی و خرید در حوزه شهری فراهم شده است، حمل و نقل‌های عمومی هم گاهی به روستا ثابت نبوده و در

در شرایط پایدار قرار دارد.

تحلیل یافته‌های پژوهش

نتایج حاصل از تحلیل داده‌ها در جدول‌های ۵ و ۶ مورد ارزیابی قرار گرفته که مطابق آنچه که در نمودار ۱ مشاهده می‌شود، در شرایط کلی، الگوی ساخت مسکن روستایی از لحاظ برخورداری از معیارهای پایداری، به میزان ۲۱٪ در شرایط پایدار، به میزان ۳۶٪ در شرایط تا حدی پایدار و به میزان ۴۳٪ در شرایط کاملاً ناپایدار قرار داشته است. همچنین نتایج حاصل از ارزیابی هر یک از شاخص‌های موثر بر میزان پایداری مسکن روستا در ابعاد اجتماعی

جدول ۷- ارزیابی شاخص‌های متأثر از عوامل فرهنگی و اجتماعی از لحاظ پایداری در مسکن؛

منبع: نگارندگان

عامل	شاخص	پایدار	تا حدی پایدار	ناپایدار
اجتماعی	رضایت از مسکن			
	روابط خویشاوندی			
	مشارکت			
	دسترسی به خدمات			
	امنیت			
	بعد خانوار			
	تعاملات همسایگی			
	آسایش روانی			
فرهنگی	عرصه‌بندی			
	همبستگی اجتماعی			
	حریم و حریمیت			
	ارتباط با طبیعت			
	ارزش‌ها و باورهای دینی			
	تکریم و رعایت حقوق دیگران			

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۵۴ بهار ۹۸
No.54 Spring 2019

۲۹۵

از زندگی دورهمی و جمعی‌گرایش بیشتری داشتند. در این حالت، متناسب با جمعیت هر خانوار، ساختار فضایی خانه نیز تغییر یافت و برخی فضاها یا کوچک شده یا از ساختار خانه حذف شدند، حتی حیاط‌های بزرگی که چندین خانوار را گرد هم جمع می‌کرد، با برپایی مراسمات (اعیاد، جشن عروسی، مراسم عزاداری و...) ضمن انجام برخی مناسبات و استحکام روابط خویشاوندی، مشارکت جمعی اقوام را بیشتر کرده و حتی سایر مردم روستا را نیز گرد هم می‌آورد، اما در این پژوهش دیده شد که در پس کوچک و یا حذف شدن همین فضای با ارزش از ساختار فضایی مسکن روستایی، مشارکت اجتماعی مردم روستا نیز کمرنگ شد.

همچنین در پی ورود مصالح مدرن و غیر بومی مورد استفاده در ساخت مسکن جدید در روستا، هرچند دارای کیفیات لازم بودند اما نوعی چنددستگی و ناهماهنگی را در بدنه و ظاهر کلی روستا ایجاد کردند که با گسترش فرهنگ مصرف‌گرایی و چشم تو هم چشمی و گرایش هر چه بیشتر مردم روستا

ساعات خاصی از روز دسترسی به روستاهای اطراف و همچنین به شهر فراهم می‌شد. ضمناً از سر محل تا ته محل نیز، وسایل نقلیه ثابتی وجود نداشت و تردد مردم پیاده در روستا گاهی از طریق آشنائیت با سایر افراد سواره، در محل روستا انجام می‌شود. از لحاظ برخوردای از شرایط آموزشی نیز نهایتاً شرایط برای تحصیل در مقاطع ابتدایی و اول متوسطه در محیط روستا و یا روستاهای اطراف آن که به عنوان حوزه نفوذ بودند، فراهم می‌شد و برای تحصیل در مقاطع بالاتر یقیناً می‌بایست به شهر رفت و این خود مسئله‌ای در عدم رغبت برخی از نوجوانان به ادامه تحصیل و رشد آمار بی‌سوادی در محیط روستا بوده است.

از آنجائیکه ساختار خانواده در روستا کوچک و به صورت هسته‌ای شده و خانواری که قبلاً به صورت جمعی زندگی می‌کردند پس از ازدواج فرزندان‌شان و مهاجرت آنها به شهر برای اشتغال و درآمد بیشتر، کوچک شده و مادر و پدر به تنهایی در خانه زندگی کرده و یا اینکه فرزندان‌شان به زندگی مستقل فارق

به سمت نوگرایی و کاهش سادگی و بی‌پیرایگی در چیدمان و معماری داخلی فضاها و همچنین گسترش تجمل‌گرایی که در تضاد با ارزش‌های فرهنگی یک روستایی بوده، خود معضلی را بر عدم رضایت ساکنین از مسکن فعلی خود پدید آورد و منجر به استفاده بیشتر ساکنین، از مصالح غیربومی و ناهمگون با بافت کالبدی روستا و بهره‌گیری از شیوه و طراحی ساخت مدرن، شد.

رواج فرهنگ شهرگرایی و سبک زندگی آنان در محیط روستا از یک سو و نزدیکی به مراکز صنعتی و خرید شهری از سوی دیگر، نوع اشتغال و امرار معاش مردم روستا را تغییر داد و فضاهایی که در ساختار خانه، محلی برای نگه‌داری دام و طیور و بعضاً نگه‌داری محصولات کشاورزی بود از ساختار فضایی خانه حذف شد و در فضای داخلی نیز استفاده از آشپزخانه آپن‌دار که در مناطق شمالی با نوع پخت و پز، چندان کارآیی لازم را نداشت جایگزین آشپزخانه‌های سنتی‌ای که همواره مسئله حریمیت و حریم خصوصی در آن رعایت می‌شد، گشت. هرچند قرارگیری هریک از فضاهای خانه به صورت متنوع در مسکن جدید دیده می‌شود اما گاه، در بحث عرصه‌بندی مسکن، سلسله مراتب از فضاهای عمومی مانند پیش‌ورودی تا خصوصی‌ترین بخش فضای یک خانه مانند اتاق، به درستی رعایت نشد. حتی مردمی که در خصوص قرارگیری هر یک از فضاهای خانه خود مانند قرارگیری محل سرویس‌های بهداشتی متناسب با جهت قبله، ارزش‌ها و باورهای دینی و اعتقادیشان را الویت قرار می‌دادند، در این پژوهش دیده شد که، امروزه خیلی به آن توجه نمی‌کنند.

نتیجه‌گیری

یکی از نیازهای انسان، نیاز به مسکن است که به عنوان یکی از اصلی‌ترین بناهایی است که توسط مردم هر جامعه ساخته می‌شود. مسکن در هر جامعه‌ای متاثر از عوامل فرهنگی و اجتماعی، اقتصادی و محیطی شکل می‌گیرد و ساختار آن نیز

از این عوامل تبعیت می‌کند پس هر گونه تغییر در شرایط طبیعی و انسانی، به طریق‌های مختلف در مسکن تجلی می‌یابد که این امر سبب شده تا علاوه بر تغییر شکل ظاهری مسکن، عملکرد فضاها نیز دگرگون شود، بنابراین طبق تحلیل‌های انجام شده و بررسی نتایج بدست آمده از تاثیرگذاری شاخص‌های متاثر از عوامل فرهنگی و اجتماعی بر میزان پایداری در مسکن روستایی گواه این است که؛ شاخص‌های روابط خویشاوندی، آسایش روانی، ارتباط با طبیعت به میزان ۲۱٪ در شرایط پایدار، شاخص‌های تعاملات همسایگی، امنیت، همبستگی اجتماعی، حریم و حریمیت، تکریم و رعایت حقوق دیگران به میزان ۳۶٪ در شرایط تا حدی پایدار و شاخص‌های رضایت از مسکن، بعد خانوار، مشارکت، دسترسی به خدمات، عرصه‌بندی، ارزش‌ها و باورهای دینی با بیشترین میزان، ۴۳٪ در شرایط ناپایدار قرار دارند، بنابراین عدم دسترسی به خدمات رفاهی و امکانات زیر ساختی باعث وابستگی روز به روز روستاییان به حوزه‌ی شهری شده، کم شدن ارزش‌ها و باورهای دینی منجر به تغییر در سبک زندگی و تقلید از آداب و رسوم و پذیرش فرهنگی غیر از فرهنگ حاکم بر روستا گشته، تغییر در ساختار سنتی خانواده و تجزیه خانوارهای گسترده به خانواده‌های هسته‌ای کوچک منجر به کوچک ساختن خانه و فضاها و تغییر در نحوه‌ی کارکرد و حتی حذف برخی از فضاهایی که پاسخ‌گوی تعاملات اجتماعی بوده، گردیده است که همین عامل خود باعث بروز برخی ناهنجاری‌های اجتماعی در روستا شده، در بحث عرصه‌بندی، مفاهیمی چون حریم و سلسله مراتب خصوصی و عمومی در سازماندهی خانه معاصر به درستی رعایت نشده و تغییراتی در سازمان فضایی خانه ایجاد شده که موجب محدود شدن دامنه عملکردی فضاها گشته و در طراحی خانه، به جای محوریت انسان و نیازهای او، اشیاء و لوازم در شکل‌گیری فضاها حاکمیت پیدا کرده و حدود خانه، فرم فضاها و حتی چگونگی حرکات

انسانی را رقم می‌زنند و عوامل بسیار دیگری که امتداد آنها، باعث سیر نزول ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی در الگوی ساخت یک خانه ایرانی خواهد شد و در نتیجه ایجاد عدم رفاه اجتماعی، توسعه نیافتگی روستایی، گسست روابط اجتماعی و در نهایت مهاجرت روستاییان از آن مکان سکونتی، خواهد شد.

منابع

۱. آمار، تیمور. (۱۳۹۲)، تحولات کالبدی سکونتگاه‌های روستایی استان گیلان به منظور تدوین الگوی توسعه کالبدی، نشریه برنامه‌ریزی کالبدی-فضایی، سال دوم، شماره ۴، صص ۷۲-۶۰.
۲. آمار، تمور؛ نایج، فرشاد. (۱۳۹۰)، تحلیل جغرافیایی مسکن و معماری در دهستان میانبند شهرستان نور، مجله مسکن و محیط روستا، شماره ۱۳۵، صص ۵۶-۴۳.
۳. آراسته‌خو، محمد. (۱۳۸۱)، نقد و نگرش بر فرهنگ اصطلاحات علمی-اجتماعی، چاپ دوم، نشرگستره، ایران: تهران، ص ۶۴.
۴. بهشتی، محمد. (۱۳۶۹)، فرهنگ صبا، انتشارات صبا، ایران: تهران.
۵. بهرامی، رحمت‌الله. (۱۳۹۰)، تحلیلی بر وضعیت مسکن روستایی در استان کرمانشاه، مجله مسکن و محیط روستا، شماره ۲، صص ۱۰۴-۹۵.
۶. بسحاق، محمدرضا؛ سالاروند، اسماعیل؛ صیدایی، سید اسکندر. (۱۳۹۱)، تحلیل و ارزیابی شاخص‌ها و عوامل پایداری مسکن روستایی نمونه موردی: بخش مرکزی شهرستان روانسر، مجله پژوهش و برنامه‌ریزی روستایی، شماره ۴، صص ۴۷-۲۵.
۷. تقوایی، علی‌اکبر؛ بهرام‌پور، مهدی؛ شاهین‌راد، مهنوش. (۱۳۸۸)، بازسازی مسکن روستایی پس از سانحه؛ آسیب‌شناسی - رهنموده، آرمانشهر، شماره ۲، صص ۱۱۲-۱۰۵.
۸. حسینی، بهشید؛ ضیایی، مجید. (۱۳۸۸)، الگوی آموزش معماری روستایی در دانشکده‌های معماری، فصلنامه آموزش مهندسی ایران، شماره ۴۱، سال

یازدهم، صص ۱۱۱-۹۳.

۱۰. حسینی، سید بهشید؛ ضیایی، مجید؛ حق شناس، جواد؛ مهدیار، لیلی؛ حسینی، مریم. (۱۳۹۰)، معماری بومی در سکونتگاه‌های دره طالقان (نگاهی به مسکن روستایی طالقان)، دوفصلنامه‌ی معماری و شهرسازی، شماره ۷، صص ۵-۲۳.

۱۱. حکمت‌نیا، حسن؛ انصاری، ژینوس. (۱۳۹۰)، برنامه‌ریزی مسکن شهر میبد با رویکرد توسعه‌ی پایدار، مجله پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره ۷۳، صص ۲۰۷-۱۹۱.

۱۲. حاتمی‌نژاد، حسین؛ سیف‌الدینی، فرانک؛ میره، محمد. (۱۳۸۵)، بررسی شاخص‌های مسکن غیر رسمی در ایران، نمونه موردی: محله شیخ آباد قم، مجله پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۸۵، صص ۱۴۵-۱۲۹.

۱۳. خاکپور، مژگان؛ عشقی صنعتی، حسام. (۱۳۹۲)، بررسی اثرگذاری عوامل اجتماعی و فرهنگی بر بافت کالبدی روستاهای گیلان، مجله مسکن و محیط روستا، شماره ۱۴۸، صص ۳-۲۰.

۱۴. خاکپور، مژگان؛ شیخ‌مهدی، علی. (۱۳۹۰)، بررسی فرهنگ و تغییرات اجتماعی بر مسکن روستایی گیلان، مجله مدیریت شهری، شماره ۲۷، صص ۲۲۹-۲۴۶.

۱۵. خجسته قمری، محمد امین. (۱۳۹۰)، شاخص‌های طراحی معماری مسکن بر مبنای فرهنگ ایرانی، همایش ملی سازه، راه، معماری، دانشگاه آزاد اسلامی، چالوس.

۱۶. دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۴۲)، لغت‌نامه دهخدا، سازمان لغت‌نامه، ایران: تهران.

۱۷. رایاپورت آموس. (۱۳۸۸)، انسان‌شناسی مسکن، چاپ اول، ترجمه خسرو افضلیان، انتشارات حرفه هنرمند.

۱۸. راضی، امیر. (۱۳۸۸)، برنامه‌ریزی توسعه مسکن پایدار در شهر حاجی آباد فارس، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه زابل.

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۵۴ بهار ۹۸
No.54 Spring 2019

۲۹۷

۱۹. رضوانی، علی اصغر. (۱۳۸۲)، رابطه شهر و روستا (مطالعات شهری و منطقه‌ای)، انتشارات ملکان، ایران: تهران.
۲۰. رحیمی، روح الله. (۱۳۹۲)، پایداری اجتماعی معماری تبرستان، همایش ملی معماری پایدار و توسعه شهری، بوکان.
۲۱. ربیعی فر، ولی الله. (۱۳۹۶)، تبیین پایداری ساختار کالبدی فضایی مسکن روستایی استان زنجان، نشریه برنامه‌ریزی توسعه کالبدی، سال دوم، شماره ۱، پیاپی ۵، ۹۰-۷۱.
۲۲. زرگر، ابراهیم. (۱۳۸۴)، درآمدی بر شناخت معماری روستایی ایران، چاپ دوم، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، تهران: ایران.
۲۳. زراعی، یعقوب. (۱۳۹۵)، سنجش توسعه در مناطق روستایی با تأکید بر برخی شاخص‌های اجتماعی- فرهنگی مورد مطالعه: شهرستان‌های استان خراسان رضوی، فصلنامه علمی ترویجی مطالعات فرهنگی - اجتماعی خراسان، شماره ۲، سال یازدهم، صص ۵۱-۷۵.
۲۴. زراعی پور دژکوه، حمیدرضا. (۱۳۷۵)، بررسی مردم‌شناختی معماری سکونتگاه‌های سنتی دهدشت و سیر تحول آن، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، تهران.
۲۵. زراعت‌پیشه، محسن؛ حسینی، سارا. (۱۳۹۲)، دگرگونی‌های فرهنگی در ایران و تاثیرات آن بر هویت شهری، اولین همایش ملی ساختمان آینده، ساری.
۲۶. سرتیپی پور، محسن. (۱۳۸۴)، شاخص‌های معماری مسکن روستایی در ایران، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۲، صص ۴۳-۵۲.
۲۷. سرتیپی پور، محسن. (۱۳۸۵)، مسکن روستایی در برنامه‌های توسعه، فصلنامه هنرهای زیبا، شماره ۲۷، صص ۴۷-۵۶.
۲۸. سرتیپی پور، محسن. (۱۳۹۲)، معماری خانه‌های بومی مردم پسند در روستاهای استان مرکزی، نشریه برنامه‌ریزی توسعه کالبدی، دوره ۱، شماره ۳، صص ۲۵-۳۶.
۲۹. سعیدی، عباس؛ امینی، فریبا. (۱۳۸۹)، ناپایداری سکونتگاهی و تحول کارکردی مسکن روستایی، نمونه موردی: روستای خفر، ناحیه نطنز بادرود، فصلنامه علمی پژوهشی انجمن جغرافیای ایران، شماره ۲۷، سال هشتم، صص ۴۳-۲۹.
۳۰. سالاروند، اسماعیل. (۱۳۹۰)، سنجش و ارزیابی شاخص‌های مسکن پایدار روستایی (مطالعه موردی روستاهای قلعه رستم، تیان، میانرودان دهستان سلاخور شرقی)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما: مهدی پورطاهری، دانشکده علوم انسانی، گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی، دانشگاه تربیت مدرس.
۳۱. شارع‌پور، محمود. (۱۳۸۹)، جامعه‌شناسی شهری، چاپ دوم، نشر سمت، ایران: تهران.
۳۲. شکویی، حسین. (۱۳۵۵)، حاشیه‌نشینان شهری، خانه‌های ارزان قیمت و سیاست مسکن، انتشارات دانشگاه تبریز، ایران: تبریز.
۳۳. شمس‌الدینی، علی. (۱۳۸۷)، جایگاه مسکن روستایی در تأثیرپذیری تغییرات کالبدی فضایی روستاها از محیط ۴۲ شهری، مجله مسکن و انقلاب، صص ۵۱-۴۰.
۳۴. صاحبی، محمدجواد. (۱۳۸۴)، مناسبات دین و فرهنگ در جامعه ایران (مجموعه مقالات)، نشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ایران: تهران.
۳۵. عنابستانی، علی‌اکبر. (۱۳۹۲)، تحلیل آثار تغییرات اجتماعی در زندگی روستاییان بر الگوی مسکن روستایی (مطالعه موردی: شهرستان بینالود)، مجله پژوهش و برنامه‌ریزی روستایی، شماره ۵، سال سوم، صص ۵۷-۶۸.
۳۶. غفاری، سید رامین؛ میری، آسیه. (۱۳۹۶)، فرآیندهای مکانی فضایی در گونه‌شناسی مسکن روستایی مورد مطالعه: (استان چهارمحال و بختیاری؛ دهستان کیار غربی)، نشریه برنامه‌ریزی توسعه کالبدی، سال دوم، شماره ۳، پیاپی ۷، صص ۱۲۸-۱۱۷.
۳۷. فاضلی، نعمت اله. (۱۳۸۶)، مدرنیته مسکن

sisli- Istanbul, 30(4), 902-915.

50. Ferdous, Lamia; Al Kafy, Abdulla; Raihan Gafur, Akanda Md; Abdul Wakil, Md. (2017), An Analysis on Influencing Factors of Rural Housing and Settlement Pattern in Rajshahi, Bangladesh, *Landscape Architecture and Regional Planning*, 2(4), 99-109.

51. hasan,M; Gomes C D; ullah, M S. (2000), Rural housing in bungladesh: an inqulry in to housing typology Construction technology and in dgenous practiees, Village infrastructure to cope with the environment, 51-60.

52. Rymond, B; Androw,N. (2000), The Traject ories of Rural life: new perspectives on rural Canada- mont Alison University, published by university of Regina.

53. Ruda,Gy. (1998), Rural buildings and environment, *Landscape and Urban Planning*, 41(2), 93-97.

54. Saleha, Mohammed Abdullah Eben.(1998), The Integration of Tradition and Modernity: A Search for an Urban and Architectural Identity in Arriyadh, The Capital of Saudi Arabia, *Habitat in ternataional*, 22(1), 571-589.

55. Short, J R. (2006), *Urban Theory Acritical Assessment*, Routledge, Newyork, published by Palgrave.

(رویکردی مردم‌نگارانه به مفهوم خانه، سبک زندگی روستایی و تحولات امروزی آن، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، شماره ۱، سال اول، صص ۶۳-۲۵. گل‌محمدی، فرهاد. (1390)، بررسی شیوه‌های آموزشی. 38. و ترویج دانش بومی معماری روستایی نمونه‌موردی: استان سیستان و بلوچستان، مجله مسکن و محیط روستا، شماره 316، صص 79-94.

لطیفی، غلامرضا. (1383)، نقش و اهمیت توسعه فرهنگی در توسعه شهری پایدار، مجله اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره 199 و 200، صص 138-145.

40. لطفی، حیدر؛ احمدی، علی؛ حسن زاده فرجود، داوود. (1388)، شاخص‌های و مولفه‌های ضروری در برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری مسکن روستایی در ایران، فصلنامه جغرافیایی آمایش، شماره 7، صص 105-123.

41. مورن، ادگار. (2001)، هویت انسانی، جلد سوم، ترجمه امیر نیک پی و فائزه محمدی، نشر قصیده سرا، ایران: تهران.

42. معین، محمد. (1375)، فرهنگ معین، انتشارات امیرکبیر، ایران: تهران.

43. مرکز آمار ایران. (1375)، شناسنامه آبادی‌های کشور.

44. ملکی، سعید؛ سجادیان، مهیار. (1395)، تبیین چالش‌های در راه‌های روستایی (ITS) استقرار سامانه حمل و نقل هوشمند کشور به منظور کاهش تصادفات، فصلنامه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری چشم‌انداز زاگرس، دوره 8، شماره 29، صص 131-152.

45. ملایی شمس، وجیهه؛ علی اکبری، عارفه. (1392)، تاثیر فرهنگ در معماری بومی، همایش ملی معماری و شهرسازی و توسعه پایدار با محوریت از معماری بومی تا شهر پایدار، مشهد.

46. هروی‌پوده، ساناز؛ رزاقی، علیرضا. (1393)، بررسی معیارهای پایدار اجتماعی در معماری مسکون ایرانی، اولین همایش ملی معماری، عمران و محیط زیست شهری، رشت.

47. Charles L, Choguill. (2007). Choguill, The search for policies to support sustainable housing, *Journal of Habitant International*, 31, 143-149.

48. Carol R, Ember; Melvin R, Ember. (2006), *Cultural anthropology*, Blind & Dyslexic Publishing.

49. Hacıhasanoglu,Isil; hacıhasan oglu, Orhan. (2006), Cultural processes and physical change in

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۵۴ بهار ۹۸
No.54 Spring 2019

۲۹۹

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management

شماره ۵۴ بهار ۹۸
No.54 Spring 2019

■ ۳۰۰ ■